

اسلام علیکم یا اباالحسن

سرمقاله

بسم الله الرحمن الرحيم

از نکات بسیار مهمی که مقام معظم رهبری دام عزه العالی در چند ماهه اخیر خصوصاً پس از فتنه ۸۸ بدان عنایت ویژه‌ای نموده و در غالب سخنرانی‌ها بدان اشاره و تاکید دارند بصیرت و نگرش عمیق به مسائل و حوادث پیرامون است.

معظم له بصیرت را دارای دو بخش دانسته و ضمن تاکید بر بصیرت در دین و عمیق شدن در مسائل دینی، همه گان را به بصیرت و بصیرت افزایی در مسائل و حوادث سیاسی و اجتماعی و شناخت دشمن و روش‌های او فراخوانده‌اند.

ایشان در دیدار با دانشجویان و جوانان استان قم در چهارم آبان ماه سال جاری ضمن تاکید بر دارا بودن بصیرت، فرمودند:

«انسان باید بصیرت پیدا کند. این بصیرت به چه معناست؟ یعنی چه بصیرت پیدا کند؟ چه جوری می‌شود این بصیرت را پیدا کرد؟ این بصیرتی که در حوادث لازم است و در روایات و در کلمات امیرالمؤمنین هم روی آن تکیه و تأکید شده، به معنای این است که انسان در حوادثی که پیرامون او می‌گذرد و در حوادثی که پیش روی اوست و به او ارتباط پیدا می‌کند، تدبیر کند؛ سعی کند از حوادث به شکل عامیانه و سطحی عبور نکند؛ به تعبیر امیرالمؤمنین، اعتبار کند: «رحم الله امرء تفکر فاعتبر» فکر کند و بر اساس این فکر، اعتبار کند. یعنی با تدبیر مسائل را بسنجد - «و اعتبر فأبصر» - با این سنجش، بصیرت پیدا کند. حوادث را درست نگاه کردن، درست سنجیدن، در آنها تدبیر کردن، در انسان بصیرت ایجاد می‌کند؛ یعنی بینائی ایجاد می‌کند و انسان چشمش به حقیقت باز می‌شود.

امیرالمؤمنین (علیه الصَّلَاة و السَّلَام) در جای دیگر می فرماید: «فإنَّما البصیر من سمع فتفکر و نظر فأبصر» بصیر آن کسی است که بشنود، گوش خود را بر صداها نبندد؛ وقتی شنید، بیندیشد. ... ایراد کار بسیاری از کسانی که در لغزشگاه‌های بی‌بصیرتی لغزیدند و سرنگون شدند، این است که نگاه نکردند و چشم خودشان را بر یک حقایق واضح بستند. در همین قضایای فتنه‌ی اخیر، یک عده‌ای اشتباه کردند؛ این بر اثر بی‌بصیرتی بود. پس بصیرت پیدا کردن، کار دشواری نیست. اگر شما نگاه کردید دیدید یک راه معقول قانونی‌ای وجود دارد و کسی از آن راه معقول قانونی سر می‌پیچد و کاری می‌کند که برای کشور مضر است، ضربه‌ی به منافع ملت است، ... یک قضاوت واضحی است. پس ببینید مطالبه‌ی بصیرت، مطالبه‌ی یک امر دشوار و ناممکن نیست. بصیرت پیدا کردن، کار سختی نیست. بصیرت پیدا کردن همین اندازه لازم دارد که انسان اسیر دام‌های گوناگون، از دوستی‌ها، دشمنی‌ها، هوای نفس‌ها و پیشداوری‌های گوناگون نشود. انسان همین قدر نگاه کند و تدبیر کند، می‌تواند واقعیت را پیدا کند. مطالبه‌ی بصیرت، مطالبه‌ی همین تدبیر است؛ مطالبه‌ی همین نگاه کردن است؛ مطالبه‌ی چیز بیشتری نیست.»

در این ماه محرم اگر با این دیدگاه، نگاهی به تاریخ قیام حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام کنیم در خواهیم یافت که یاران امام دارای چه بصیرتِ سترگی بودند و آنان که به هر دلیل در کنار امام و همراه آن حضرت حضور نداشتند، افرادی فاقد بصیرت لازم، و دشمن و نقشه‌های بنی‌امیه را، به خوبی درک نکرده بودند.

براستی اگر ما در هشتم ذی‌حجه سال شصت در مکه بودیم و می‌دیدیم امام زمانمان با انجام عمره مفرده از مکه خارج شد و به سوی کوفه حرکت نمود آیا ما در مکه می‌ماندیم و طواف برگرد کعبه را انجام می‌دادیم؟ یا به همراه کعبه واقعی که همان امام است حرکت نموده و طواف برگرد او را بر همه امور مقدم می‌داشتیم؟ و این اولین گام در بصیرت به امام و شناخت دوران است.

محمود بن لبید گوید: در یکی از روزها پس از ارتحال پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در کنار قبر جناب حمزه از حضرت زهرا علیها السلام پرسیدم: آیا پیامبر خدا صلی الله علیه و آله پیش از مرگ خویش به امامت علی علیه السلام تصریح کردند؟ حضرت فرمود: و اعجاباً آنستیم یوم غدیر خم؟ شگفتا! آیا روز غدیر خم را از یاد برده‌اید؟

گفتم: در غدیر خم تصریح کرده ولی از آنچه دور از چشم مردم برایتان فرموده



برایم باز گویند. و حضرت برخی از فضائل امام علی علیه السلام و احیای خلافت و امامت آن حضرت را از زبان پیامبر صلی الله علیه و آله بیان فرمودند. من تعجب کردم و گفتم سرورم، پس چرا حضرت علی علیه السلام حق خویش را دنبال نمی کند؟ قالت: یا ابا عمر لقد قال رسول الله صلی الله علیه و آله مثل الامام مثل الكعبه اذ تؤتی و لا تأتی

حضرت فرمود: ای ابو عمر، پیامبر خدا فرمود: مثل امام مثل کعبه است چرا که مردم به سراغ کعبه می روند و کعبه نزد کسی نمی رود^(۱)

پس امام کعبه است و وظیفه مردم است به سراغ او روند و طواف بر گرد او کرده رهایش ننمایند

امام حسین علیه السلام باز برای اتمام حجت و بیدار کردن دل های بصیر در وقت خروج از مکه برای حاجیان سخنرانی نموده و در پایان همه را دعوت به همراهی کرده فرمودند: ... ألا و من كان فينا باذلاً مهجته، موطناً على لقاء الله نفسه، فليرحل معنا، فانی راحل مصباحا ان شاء الله تعالی

اکنون بدانید هر کس که میان ما است و در این راه جان خود را نثار می کند و در فداکاری حاضر است و از برای لقای پروردگار خود را مهیا دارد پس باید که با ما حرکت کند و این راه را به پیماید که من به خواست خدا بامدادان از اینجا کوچ خواهم نمود^(۲)

پس حاجیان و ساکنان شهر مکه در آن زمان با آنکه به زیارت و طواف خانه خدا و انجام اعمال حج آمده بودند یا بصیرت کامل نداشتند و یا تبعیت از امام را مهم نمی دانستند در صورتی که تمام وظیفه ما تبعیت از امام و فرمانبرداری از اوست و هر کس این تبعیت را از ولی زمان نداشته باشد، دین او دچار تزلزل است .

امام راحل علیه السلام در عید غدیر سال ۱۴۰۶ (شهریور ۱۳۶۵) در جمع مسئولین کشور به تبعیت و اساسی بودن ولایت اشاره کرده فرمودند :

زنده نگه داشتن این عید نه برای این است که چراغانی بشود ... مسأله این است که به ما یاد بدهند که چگونه باید تبعیت کنیم، به ما یاد بدهند که غدیر منحصر به آن زمان نیست، غدیر در همه اعصار باید باشد و روشی که حضرت امیر در این حکومت پیش

۱. بحار الانوار ۳۶/۲۵۳.

۲. لهوف ۵۳.



گرفته است باید روش ملتها و دست‌اندرکاران باشد. قضیه غدیر، قضیه جعل حکومت است، این است که قابل نصب است و الا مقامات معنوی قابل نصب نیست یک چیزی نیست که با نصب آن مقام پیدا بشود....

مسأله، مسئله حکومت است، مسأله، مسئله سیاست است، حکومت عدل سیاست است، تمام معنای سیاست است. خدای تبارک و تعالی این حکومت را و این سیاست را امر کرد که پیغمبر به حضرت امیر واگذار کنند، چنانچه خود رسول خدا سیاست داشت و حکومت بدون سیاست ممکن نیست. این سیاست و این حکومتی که عجبین با سیاست است، در روز عید غدیر برای حضرت امیر ثابت شد. ...

آن چیزی که برای ائمه ما قبل از غدیر و قبل از همه چیزها بوده است، این یک مقامی است که مقام ولایت کلی است که آن امامت است،... این غیر حکومت است آن در عرض اینها نیست، آن از اصول مذهب است.... غدیر آمده است که بفهماند که سیاست به همه مربوط است، در هر عصری باید حکومتی باشد با سیاست.^(۱)

در قیام عاشورا می‌بینیم برخی چنین ولایتی را درک کرده و زهیر وار با تمام وجود در خدمت امام حاضر شده و حتی با تمام اعتقاد بیان کردند که اگر چندین بار کشته شوند و بسوزند و خاکستر آنها بر باد رود و خداوند باز به آنان جان دهد، خود را فدای راه و روش امام خواهند کرد و در مقابل، برخی که امام را می‌شناختند و به پدر ایشان ارادت داشتند، بصیرت نداشته و خدمت به زن و فرزندان را بر سعادت ابدی ترجیح دادند هرثمه از یاران امام علی علیه السلام در جنگ صفین، همراه عمر سعد به سرزمین کربلا آمد، هنگام ورود به کربلا، خاطره‌ای را یاد آورد که در راه برگشت از صفین به همراه حضرت علی علیه السلام وارد کربلا شدند. و حضرت در آن سرزمین نماز خواند. آن گاه مشتی از خاک کربلا برداشت و آنرا بوئید سپس فرمود: آه ای خاک! حقاً که از تو مردمانی برانگیخته شوند که بدون حساب داخل بهشت گردند.

لذا از آمدن پشیمان شدم، به محضر امام حسین علیه السلام رسیده، و آنچه را که در آن محل از پدرش شنیده بودم، برایشان نقل کردم، امام علیه السلام فرمود: آیا به کمک ما آمده‌ای یا به جنگ ما؟ گفتم: ای فرزند رسول خدا! من نه به یاری شما آمده‌ام نه به جنگ شما! و زن

۱. صحیفه امام ۱۱۳/ ۲۰.



و بچه‌ام را گذارده‌ام و از جانب ابن زیاد برایشان بیمناکم.^(۱) این یار دیرینه امام علی علیه السلام با بی بصیرتی امام زمانش را رها کرده و به دنبال دنیای خود شتافت و گمان کرد همین قدر که بی تفاوت باشد وظیفه خود را انجام داده و مسئولیتی دیگر در قبال دین خدا ندارد.

برخی دیگر همچون عبیدالله بن حر جعفی، که با دعوت رسمی امام مواجه شدند، حاضر شدند شمشیر و اسب خود را اهدا نموده و خود در خدمت امام نباشند آنان گمان می‌کردند امام شیفته اسب و شمشیر آنان است و این نیز بی بصیرتی تام و کامل بود. امروز بصیرت دینی به ما حکم می‌کند: تبعیت از ولی امر در راستای پیروی از امام عصر علیه السلام بر همه لازم است و اگر روایاتی را که پیروی از ولی فقیه را لازم دانسته را نیز رها کنیم تجربه بیش از سی ساله انقلاب بر ما لازم می‌شمارد که با تبعیت از ولی فقیه است که می‌توانیم کشور را سربلند و تشیع و اسلام را زنده نگاه داشته، هر روز بر افتخارات مملکت تشیع بیفزائیم. ان شاء الله

والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته

علی محمدی

نماینده ولی فقیه و سرپرست

سازمان اوقاف و امور خیریه

